



ISSN:2423.7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال شانزدهم/شماره شصت و یک/ بهار ۱۴۰۱

نقش راهبردی مکتب امامین انقلاب در زمینه‌سازی ظهور با تأکید بر

مکتب شهید سلیمانی*

^۱ سیدحامد شاهرخی

^۲ عبدالمطلب عبدالله

^۳ علی کربلایی پازوکی

چکیده

یکی از موضوعات مهم در اندیشه منجی‌گرایی ادیان و دین اسلامی، به ویژه شیعیان، مسئله ظهور منجی و مهدی موعود علیه السلام و تأثیر و عدم تأثیر بشر در تعجیل یا تأخیر زمان وقوع این اتفاق مهم است، این مسئله به دلیل اهمیت تاریخی و جایگاه آن در چشم‌انداز آینده امت‌های اسلامی خصوصاً در نگرش جامعه شیعه به آینده، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است. با توجه به نگرش‌های مختلف و گاه متضاد درباره نظریه‌های ظهور، و عنایت به اهمیت مسئله و نگرش و عملکرد خاص و ژرف‌اندیشانه امامین انقلاب و شاگردان راستین این مکتب، نسبت به این موضوع این پژوهش درصدد است مسئله ظهور و اختیاری بودن آن و امکان‌پذیری تأثیر بر وقوع ظهور و تعجیل در آن را با توجه به مبانی و آراء امامین انقلاب و با استفاده از دلایل عقلی و نقلی روشن کند، منظومه فکری و عملکردی آن دو عالم، در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای تحقق بخشی به حکومت اسلامی در راستای نزدیک شدن به ظهور و حکومت موعود منجی تعریف شده و بر شاگردان راستین این مکتب اثرگذاری فراوانی داشته است. لذا برای دستیابی به نوع بینش و دیدگاه امامین انقلاب در مسئله ظهور در گام نخست، مفاهیم و معانی مرتبط با خوانی شده و در گام دوم به سامانه نظری منطبق با دیدگاه آنان پرداخته و در نهایت، در راستای ایجاد اتحاد میان مبانی نظری اندیشه و مقام عمل با عنایت به سیر و عملکرد شهید سلیمانی علیه السلام، نتیجه‌گیری می‌شود. مقام معظم رهبری به عنوان شاگرد و ادامه‌دهنده راه و مکتب امام خمینی علیه السلام با نگاهی به فرایند انقلاب و نظام اسلامی در راستای نزدیک شدن به جامعه ایده‌آل و مطلوب اسلام، پنج مرحله به مثابه پنج نظریه را ترسیم و مطرح می‌کند و انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمونه‌ای از جامعه‌ای منتظر، را در حال گذر از مرحله سوم و چهارم از آن مراحل می‌داند که خود به نحوی نگاه به انتظار به عنوان بزرگ‌ترین محرک اجتماعی با رویکرد مثبت تناسب دارد و انسان را برای تحقق حاکمیت ارزش‌ها و محو ضد ارزش‌ها تشویق می‌کند. بر این اساس نظریه اختیاری بودن ظهور، با اندیشه و سیره عملی امامین انقلاب و تلاش‌های شاگرد

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۳

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی علیه السلام تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Shahrokhi57@gmail.com).

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی علیه السلام تهران، ایران (abdollah_ab@yahoo.com).

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی علیه السلام تهران، ایران (Karbalaei1383@yahoo.com).

بارز این مکتب، شهید سلیمانی علیه السلام در طول چهار دهه از انقلاب در عرصه دفاع مقدس و مقاومت اسلامی، در تحقق تمدن نوین اسلامی و الگوسازی آن سازگاری دارد که براساس آن اراده، اختیار و تلاش جمعی بشر در نزدیک کردن ظهور مؤثر است و تحقق این امر به صورت تدریجی و فرایندی خواهد بود. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی این موضوع با استفاده از آثار و مکتوبات و نرم افزارها و سخنرانی‌ها از منظر آن دو امام با تأکید بر سیره و عملکرد شهید سلیمانی علیه السلام پرداخته است.

واژگان کلیدی

مکتب، امامین انقلاب، راهبرد، زمینه‌سازی ظهور، شهید سلیمانی علیه السلام.

مقدمه

یکی از انگاره‌های بنیادین در اندیشه مهدویت، بحث ظهور امام عصر علیه السلام است، بحث درباره ظهور و زمینه‌سازی آن بحث تغییرپذیری زمان ظهور^۱ و عدم آن را به دنبال دارد، با توجه به قلمرو گسترده‌ای که دارد یکی از موضوعات حائز اهمیت و از جمله مباحث مهم و جنجالی در عرصه پژوهش و نظریه‌پردازی بوده است، علاوه بر ضرورت بحث در مفهوم - شناختی مکتب امامین و زمینه‌سازی ظهور، بحث با رویکرد ثبوتی به مباحثی چون امکان و امتناع زمینه‌سازی ظهور پرداخته می‌شود و در رویکرد اثباتی که مورد بحث ما در این پژوهش است به تمهیدات و گستره و کیفیت این مسئله پرداخته و پرسش‌هایی چون: قابلیت بشر برای تهیه مقدمات ظهور، مکلف بودن مردم برای این تمهیدات و این که آیا ظهور امری اختیاری و تحصیلی است یا اجباری و حصولی و... مطرح می‌شود.

در نظریه اختیاری بودن ظهور و زمینه‌سازی برای آن، اگر جامعه به وظایف خود عمل کند حتماً لطف خداوند شامل حال آنان شده و زمان ظهور را جلو می‌اندازد، این نگرش، پایه و اساس نظریه مختار براساس تأثیرپذیری شهید سلیمانی از مکتب امام خمینی علیه السلام و اندیشه مقام معظم رهبری را تشکیل می‌دهد و دلایل و براهین ارائه شده در راستای توجیه این نظریه تنظیم و تبیین شده است.

نگرش امامین انقلاب در باره چگونگی آینده بشر، همانند دیگر اندیشمندان اسلامی، مبتنی

۱. براساس برخی روایات مانند: «و أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم» و «أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج»؛ و «يخرج ناس من المشرق فيوظئون للمهدي سلطان» زمان ظهور امری ثابت و معین نیست، بلکه پدیده‌ای تغییرپذیر است که دیگر پدیده‌ها و عوامل محیطی و انسانی، در تقدیم یا تأخیر آن تأثیر می‌گذارند؛ زیرا اگر زمان ظهور مانند زمان قیامت ثابت و معین می‌بود، و هیچ عامل دیگری در آن تأثیر نمی‌نداشت، سفارش کردن به دعا برای تعجيل در ظهور و سخن گفتن درباره آمادگی، انتظار، زمینه‌سازی و تلاش برای برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، بی‌معنا و بیهوده بود.

بر نظریه مهدویت است که اساس آینده‌نگری اسلامی محسوب می‌شود. ایشان، نظریه مهدویت را مهم‌ترین فلسفه تاریخ دانسته و معتقدند که مرحله پایان تاریخ، با برپایی تمدن عظیم اسلامی به وسیله آخرین رهبر الهی، مهدی موعود علیه السلام، فرا خواهد رسید و این سرنوشت محتومی است که دیر یا زود در آینده تاریخ محقق خواهد شد:

سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن براساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴).^۱

در این نگاه، سیر حرکت تاریخ به سمت جامعه آرمانی و تحقق مدینه فاضله، معطوف است و نقشه راه رسیدن به این هدف، الگوپذیری از شاخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه متکامل و برگرفته از احکام جهان شمول اسلام^۲ و روایات ترسیم عصر ظهور است که انبیای الهی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم علیه السلام برای نزدیک کردن بشر به جامعه مهدوی براساس آن نقشه حرکت کرده‌اند.^۳

در این پژوهش با توجه به این که میزان تأثیرگذاری انسان‌ها، تابعی از ابعاد و عمق وجودی آنهاست و تأثیر برخی در یک شهر و برخی در یک استان و شعاع وجودی برخی در سطح یک کشور و برخی در سطح منطقه و برخی در سطح جهان و عرصه بین‌الملل بوده برخی هم فراتر رفته و پرتو وجودی آنها عرصه تاریخ را هم فرا می‌گیرد.

باید گفت ابعاد وجودی شهید سلیمانی که متأثر از امامین انقلاب است شعاع تأثیرگذاری ایشان از مرزهای منطقه عبور کرده و نه تنها در عرصه بین‌المللی، بلکه در چشم‌انداز تاریخی

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، -<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451>

۲. رک: امام خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ۴۳۷.

۳. رک: بیانات در دیدار رئیس و مسئولان ارشد قوه قضائیه، ۱۳۶۸/۰۶/۲۰ -<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2180>

نیز قرار دارد.

مفهوم‌شناسی

مکتب: این واژه عمدتاً به صورت پیشوند در بسیاری از علوم استفاده می‌شود، با این وجود تفاهمی در خصوص معنای آن وجود ندارد. «مکتب» واژه‌ای عربی است که به عنوان مصدر (به معنای کتابت و نوشتن)، اسم زمان (زمان نوشتن) و اسم مکان (مکان نوشتن) به کار می‌رود، این واژه در لغت فارسی به معنای «مدرسه» و «محل درس خواندن»، (عمید، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۳۷۷)، است اما در اصطلاح براساس بیان شهید مطهری به مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی اطلاق می‌شود که حرکت براساس آن روش‌ها، و بایدها و نبایدها، باعث کمال و سعادت انسان می‌شود، (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۷) مکتب، یک مفهوم اعتباری و برساخت ذهنی محسوب می‌شود و مطابق نظر علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۴۴)،^۱ تعریف خود را از مقاصد و انتظارات اعتبارکننده دریافت می‌کند؛ لذا بهترین منبع و مرجع شناخت مفهوم و ابعاد این واژه رجوع به سوابق به‌کارگیری این لفظ توسط امام خامنیه‌ای به عنوان فردی است که عبارت «مکتب شهید سلیمانی» را مطرح نمودند و با شیوه «تحلیل مضمون» به شناسایی و تشریح چرایی و چیستی هر پدیده پرداخته می‌شود، امام خامنیه‌ای واژه «مکتب» را در سه معنی و مفهوم مختلف اما مرتبط به کار برده‌اند، اول به معنای «مرکز درس و آموزش» که ایشان با خاطراتی از دوره کودکی خود از رفتن به «مکتب» و ویژگی‌های آن صحبت نموده‌اند (امام خامنیه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)^۲ دوم به مفهوم «نظام فکری و عملی» برای رفع نیازهای زندگی بشر (امام خامنیه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹)^۳ و سوم به معنای خاص «دین و آئین» که خدا از طریق پیامبران علیهم‌السلام به مردم ابلاغ نموده است (امام خامنیه‌ای، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴)^۴، امام خامنیه‌ای برای «مکتب» سه کارکرد قائل شده‌اند از جمله تعیین‌کننده ارزش‌ها و ضدازش‌ها (ر.ک: خامنیه‌ای، ۱۳۷۴/۰۱/۰۳)^۵ و ایجاد تفرقه (ر.ک:

۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۶)، مجموعه آثار علامه سید محمدحسین طباطبایی، ج ۷، اصول فلسفه و روش رئالیسم و رسائل توحیدی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

۲. ر.ک: گوشه‌هایی از خاطرات آیت‌الله خامنیه‌ای از والدهی مکرمه‌شان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=7159>

۳. ر.ک: بیان‌ات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328>

۴. ر.ک: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42818>

۵. ر.ک: دیدار زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با رهبر انقلاب، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=701>

خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۷/۰۵) ^۱ به عنوان یک کارکرد جانبی مکاتب که استعمار به آنها دامن می‌زند و یا برخی را ایجاد می‌کند را می‌شود معرفی کرد، مهم‌ترین این کارکردها با نگاه مثبت قابلیت فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) ^۲ است که در زمینه‌سازی ظهور می‌تواند نقش اساسی ایفا نماید (نجاران طوسی، بهمن ماه ۱۳۹۹).

مکتب امامین انقلاب: مکاتب برای تحقق و استقلال خود از دیگر مکاتب، نیاز به ویژگی‌ها، جهان‌بینی، ایدئولوژی و اصول و مبانی خاص خود را دارد و برای پویایی و پایایی خود باید حرفی نو برای گفتن داشته باشد. براساس این تعریف باید گفت مکتب امامین انقلاب در تمام ابعاد خود از مکتب اسلام گرفته شده و برآیند و بروندادی از مکتب اسلام است، به عبارت دیگر امامین انقلاب با اقتدا به مکتب حضرات معصومین علیهم‌السلام و پیوند معرفتی و معنوی با ایشان مکتب خویش را بنا نمودند، نکته دیگر آن که هر مکتب بالا دست، نسبت به مکتب پائین دست خود از مؤلفه‌های کامل‌تر برخوردار است و رابطه عموم و خصوص من وجه دارند مثل عنصر عصمت که در معصومین علیهم‌السلام وجود دارد ولی براساس مکتب امامین انقلاب، در ولی فقیه وجود ندارد، و یا چگونگی حسن انجام وظایف ولایت فقیه که در مکتب امامین انقلاب وجود دارد اما در مکتب شهید سلیمانی وجود ندارد، امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌فرماید:

اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده و یا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۳۸۷).

همچنین امام خامنه‌ای در مورد شهید سلیمانی می‌فرماید:

او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی رحمه‌الله بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود ^۳ (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

از این بیان روشن می‌شود که اولاً مکتب شهید سلیمانی از مکتب امام خمینی رحمه‌الله جدا نیست و ثانیاً امام خامنه‌ای همواره خود را ادامه‌دهنده راه و مکتب امام خمینی رحمه‌الله می‌داند، لذا مکتب ایشان نیز از مکتب بنیانگذار انقلاب جدا نیست.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2194>.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>.

۳. پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1710>.

مکتب شهید سلیمانی: برآیند و برونداد حاصل از جهان بینی شهید سلیمانی است که در اندیشه و عمل ایشان ظهور و بروز پیدا کرده و انسان های بسیاری را به فراخور خود تحت تأثیر فراوان قرار داده است، آن شهید چون تربیت یافته مکتب اسلام و معصومین علیهم السلام و مکتب امامین انقلاب بود با نگاه و نگرش الهی به جهان هستی و انسان، مکتب تربیتی بنا نمود که همه شئون دنیوی و اخروی را می توان از آن استخراج کرد که از لحاظ فردی و اجتماعی می تواند الگو دهنده و درس آموز باشد، امام خامنه ای در این باره می فرماید:

سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه ی درس آموز، با این چشم نگاه کنیم (امام خامنه ای، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸).^۱

راهبرد:^۲ این واژه ابتدا در عرصه نظامی به کار رفته و با واژه استراتژی هم معنی است، این مفهوم بعداً در عرصه هایی چون: اقتصاد، سیاست، مملکت داری و فرهنگ بسیار مورد استفاده قرار گرفت؛ راهبرد به معنای سیاست، برنامه یا یک طرح کلان به منظور سازماندهی و مدیریت اقدامات گوناگون برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت با توجه به تغییرات محیطی و شکل دادن به آینده و کنترل آن دانست (انوری، ۱۳۸۱: ۲۶۸).

براین اساس منظور از راهبرد در این پژوهش، برنامه ریزی جامعه منتظر برای زمینه سازی ظهور مهدی موعود علیه السلام است که برنامه رسیدن مردم به سعادت و برپایی حکومت فراگیر الهی را فراهم می سازد.

زمینه سازی ظهور: این اصطلاح، معادل فارسی کلمه «تمهید» و «توطئه» و «اعداد» در عربی است که به معنای مقدمه چینی، فراهم سازی، آماده سازی و بستر سازی است، چنان که کلمات «یَوْظُنُون»، (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۷، ب ۵) و «لَيُعِدَّن» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰، ح ۲۱)، در احادیث به همین معناست، در این مقاله مقصود فراهم آوری مقدمات و بسترهای تمهیدی است که در شکل ها و قالب های مختلفی تحقق پیدا می کنند.

زمینه سازی؛ آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط يك خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود حضرت مهدی علیه السلام است که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و براساس بیان امام خمینی علیه السلام انقلاب اسلامی ایران، می تواند طلیعه مبارکی برای این امر باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸:

۱. خطبه های نماز جمعه تهران، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695>.

ج (۲۱، ۳۲۷) و همچنین فرمودند:

امیدوارم که این انقلاب، يك انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ۱۳۱).

انقلاب بزرگ حضرت مهدی علیه السلام همچون دیگر انقلاب‌ها، بدون مقدمه و زمینه‌سازی پدید نمی‌آید؛ بلکه در آستانه ظهور، حرکت‌هایی شکل می‌گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می‌آورد. این سلسله قیام‌ها و انقلاب‌ها که از سوی حق پویان صورت می‌گیرد، براساس آنچه در بعضی از روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی حضرت مهدی علیه السلام آماده می‌کند.^۱ در این روایات، به روشنی از برپایی قیام‌ها و انقلاب‌هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است. افزون بر اینها، روایات فراوان دیگری نیز بر این نکته اتفاق دارند که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، حکومتی به رهبری یکی از صالحان که گمان می‌رود از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هم باشد، در ناحیه مشرق تشکیل می‌شود و زمینه ظهور را مهیا می‌سازد. این حکومت، تا ظاهر شدن مهدی علیه السلام و تسلیم آن به حضرت ایشان، ادامه می‌یابد.

در زمان ما نیز، برخی با استناد به ویژگی‌هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ ش به رهبری امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسید، همان دولتی دانسته‌اند که زمینه را برای ظهور و قیام مهدی علیه السلام آماده می‌کند و - ان شاء الله - تا ظهور آن حضرت ادامه می‌یابد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۲۰۷). البته هیچ يك از آن حرکت‌ها به اندازه انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز انقلاب مهدی علیه السلام نبوده‌اند؛ بلکه اصلاً مقایسه آنها با انقلاب اسلامی باطل است؛ از این رو احتمال این که مراد از «دولت زمینه‌ساز» از جمله انقلاب اسلامی ایران باشد و تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام تداوم یابد، بسیار است.

با توجه به این معنا، زمینه‌سازی ظهور، یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: س سوم، ش ۱۰، ۲۰).

پس آمادگی مردم اساسی‌ترین شرطی است که تحقق بخشی ظهور را تضمین کرده و بالعکس فقدان آن، غیبت را تجویز می‌کند.

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ۲۶۳؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۱، ۹۴؛ رك: سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۸ (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: گروهی از ناحیه مشرق، قد برمی‌افرازند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌سازند).

مبانی نظری پژوهش

ظرفیت و جامعیت اسلام به عنوان یک مکتب پویا و زنده

مهم‌ترین تکیه‌گاه نگرش امامین انقلاب و بالطبع شهید سلیمانی، ظرفیت و جامعیت اسلام به عنوان یک مکتب پویا و بالنده مطرح بود که این ظرفیت توان ایجاد حرکت در جهان اسلام را دارا می‌باشد.

گرچه در طول دو قرن گذشته اسلام و گفتمان دینی در منطقه غرب آسیا در حوادث مهمی همچون انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر شوروی، و دیگر انقلاب‌ها و رویدادهایی همچون جنگ جهانی اول و دوم غایب بود و منطقه غرب آسیا جولانگاه گفتمان‌های لیبرالیستی وارداتی از غرب و گفتمان چپ مارکسیستی به عنوان گفتمان مهاجم از شرق و گفتمان ناسیونالیستی و ملی‌گرایی بود. گفتمان دینی هم دستخوش تغییر و با رویکرد سکولاریستی در انزوای کامل قرار داشت، اما انقلاب اسلامی ایران توانست با استخراج گنجینه اسلام و احیای گفتمان دینی براساس اسلام ناب، دیگر گفتمان‌ها را کنار زده و به عنوان یک مکتب پویا، حرکت‌زا و بالنده جلوه نموده و ماهیت انقلابی خود را به رخ جهانیان بکشد. دیدگاه مجاهدانی همچون حاج قاسم این بود که با تکیه بر اسلام انقلابی می‌تواند جامعه را به حرکت در آورد.

امامین انقلاب و زمینه‌سازی ظهور

در مورد زمینه‌سازی ظهور، دو نظریه کلی حصولی و تحصیلی بودن زمینه‌سازی ظهور مطرح شده است که در میان علما و اندیشمندان شیعه طرفدارانی پیدا نموده است.

در نظریه حصولی: اصل وقوع ظهور و نیز تعجیل و تأخیر آن، فقط اراده الهی مؤثر است و خدا برای بشر هیچ نقش عاملیت و یا تأثیرگذاری قرار نداده و هیچ‌گونه ارتباط علیت بین عملکرد مردم و پدیده ظهور، وجود ندارد در نتیجه ظهور مانند بسیاری از امور و شئون ربوبیت الهی، پدیده‌ای جبری است و تلاش و عدم تلاش انسان هیچ تأثیری در اراده الهی ندارد. ولذا تنها وظیفه مردم در عصر غیبت، دعا و انتظار برای فرارسیدن آن روز موعود است،

امام خمینی علیه السلام دیدگاه این گروه را ناشی از تحلیل نادرست روایات مربوط به قیام‌های پیش از ظهور می‌داند و آنها را به چند دسته تقسیم می‌کند:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، حسینیه و منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. اینها مردمی صالح هستند... به تکالیف‌شان هم عمل می‌کنند، امر به معروف و نهی از منکر هم می‌کنند، لکن همین

دیگر! غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند. یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند، این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد... ما تکلیف‌های خودمان را عمل کنیم. برای جلوگیری از این امور هم، خود حضرت بیایند، ان شاء الله درست می‌کنند! دیگر ما تکلیفی نداریم جز این که دعا کنیم که ایشان بیاید و کاری به کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته مردمی بودند که صالح بودند. یک دسته می‌گفتند باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم امر به معروف هم نکنیم تا مردم هرکاری می‌خواهند بکنند تا گناه زیاد شود و فرج نزدیک شود! یک دسته از این بالاتر می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، مردم را به گناه دعوت کرد تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت تشریف بیاورند! البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این امر دامن می‌زدند. یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۱۴-۱۵).

براساس این دیدگاه، واگذاری اصلاح تمام امور به حضرت مهدی علیه السلام است و هیچ‌گونه تلاشی برای زمینه‌سازی و برپایی حکومت آن حضرت را بر نمی‌تابد و تلاش در این باره را مانعی جدی برای رخداد ظهور می‌پندارد.

اعتقاد به این دیدگاه علاوه بر آثار مخربی که بر فرد و جامعه دارد از پشتوانه و تبیین علمی و توجیه منطقی متقنی برخوردار نیست و نیز با سنت‌های الهی مبنی بر تغییرپذیری سرنوشت و تأثیرگذاری انسان در آن (رعد: ۱۱) سازگار نیست و همچنین و با روایت‌هایی مانند حدیث نبوی «یخرج ناس من المشرق فیوظئون للمهدی سلطاناً»، (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۴۷۷، ب ۵)، متعارض است و بیهوده شدن برخی از دستورهای سیاسی اسلام را مانند: امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حمایت از مظلوم و... را در پی دارد.

نظریه تحصیلی بودن ظهور: در این نظریه عملکرد جمعی مردم ارتباط مستقیم در تحقق و تعجیل و یا تأخیر در امر ظهور دارد، برای تعجیل در آن باید با ایجاد تحول در فرد و جامعه با اطاعت از دستورهای الهی و با رویکرد منتظر محورانه به استقبال ظهور و زمینه‌سازی آن بروند تا خداوند اذن این تحول عظیم را بدهد چون اصل ظهور به اراده و فرمان الهی و در مجرای طبیعی و نظام اسباب و علل و در نهایت مصلحت کلی بشر صورت می‌پذیرد. خداوند ظهور را برخلاف خواست جمعی بشر و نبود شرط‌های لازم به جامعه بشری تحمیل نمی‌کند مگر این که

بشر تا آخرین زمان ممکن در خود آن آمادگی را ایجاد نکند، در آن صورت خدا به وعده خود عمل کرده و آخرین ذخیره خود را می‌فرستد و ظهور محقق می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۱، ۲۸۰، ح ۲۷)^۱.

بسیاری از علمای شیعه همچون شیخ طوسی رحمته‌الله بر وجوب تلاش مردم برای گسترش قدرت حضرت در عصر غیبت اتفاق نظر دارند و بسط ید و سلطه قهری امام با اراده الهی باعث اضطراب و سقوط تکلیف می‌شود، بلکه این امر تکلیف اجتماعی شیعیان در عصر غیبت است. هم اراده الهی و هم تلاش ما در بسط ید و قدرت و سلطنت امام رحمته‌الله مؤثر است و اگر تلاش نکنیم مقصر خودمان هستیم (نهایندی، ۱۳۸۶: ج ۳، ۱۳۳). شهید سید محمدباقر صدر نیز از متفکران بزرگی است که به تأثیر زمینه‌سازانه انسان در فرآیند ظهور، اعتقاد راسخ دارد و آمادگی بشر را برای ایجاد این تحول بنیادی ضروری می‌داند، و در این راستا با پایه‌گذاری نهضت در مردم عراق و تبعیت از امام خمینی رحمته‌الله به این مسئله اهتمام ورزید «انقلاب جهانی امام زمان رحمته‌الله از جهت اجرا، نظیر دیگر انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی آن انقلاب بستگی دارد. برای تحقق چنین انقلاب بزرگی، وجود رهبر صالح و الهی کافی نیست و گرنه در عصر خود پیامبر رحمته‌الله این شرط محقق بود. تأخیر بعثت پیامبر اکرم رحمته‌الله، بعد از پنج قرن گذشت دوران جاهلیت نیز به دلیل فراهم نبودن زمینه‌ها و شرایط آن بوده است.

خداوند می‌تواند تمام موانع فراروی ابلاغ پیام حضرت صاحب‌الأمر را یک مرتبه از بین ببرد و ایشان را بر جهان مسلط گرداند اما این شیوه با سنت امتحان و آزمایش‌ها که باعث رشد و تکامل فرد و جامعه بشری می‌شود در تضاد است. این سنت‌های الهی در صورتی رخ می‌دهند که به صورت طبیعی انجام پذیرند؛ زیرا رسالت آن حضرت برای تغییرهای بنیادی و جهانی است نه مقطعی و منطقه‌ای.

امام خمینی رحمته‌الله درباره افرادی که نسبت به وضعیت نابسامان خود بی‌اعتنا و به تکلیف خود در برابر منکرات عمل نمی‌کنند، و بر ضرورت عمل به تکلیف سیاسی - اجتماعی خود در عصر غیبت (تشکیل حکومت اسلامی) و زمینه‌سازی ظهور و تکلیفی شرعی تأکید می‌کنند و آنان را فریب‌خوردگان سیاسی و مخالفان آیات قرآن می‌داند و می‌فرماید: ما اگر دست‌مان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست، منتهی ما

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «... لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ».

نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت، نه این که شما دست بردارید از تکلیفتان (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۱۵).

بخش عمدهٔ بیانات مقام معظم رهبری در راستای زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی ظهور و تحصیل آن را وابسته به برنامه‌ریزی حکومت در سطح کلان و همراهی و مشارکت سیاسی اقشار مختلف مردم می‌داند و چنین می‌فرماید:

تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود علیه السلام را فراهم خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴).^۱

ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود علیه السلام زمینه باید آماده بشود (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).^۲

ایشان بر ادامه دادن راه انقلاب به عنوان مقدمه‌ای برای ظهور تأکید کرده و بیان می‌کند: ما ملت ایران حالا یک انقلابی انجام دادیم. انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۷۹).

معظم‌له در بیانات‌شان بر استمرار این زمینه‌سازی اشاره داشته و می‌فرمایند:

شما ملت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود علیه السلام و انقلاب نهایی اسلامی بشریت که سطح عالم را خواهد گرفت و همهٔ این گره‌ها را باز خواهد کرد قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید (همان: ۳۸۴).

اختیاری و عدم اختیاری بودن ظهور

«از جمله مباحث مهمی که در مورد مقوله ظهور مطرح بوده و فراوان مورد بحث و گفتگوی افراد و باورمندان مهدوی واقع شده و مورد پرسش و شبهات گروه‌های مختلف قرار گرفته است بحث اختیاری و عدم اختیاری بودن ظهور و یا به بیان دیگر، بحث اختیاری یا جبری بودن ظهور است. البته این بحث به نوعی متفرع بر بحث تحصیلی و حصولی بودن ظهور است که

۱. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3056>.

۲. بیانات در دیدار مردم قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2586>.

در واقع در پی تحصیلی بودن ظهور بحث اختیاری و در پی حصولی بودن ظهور بحث جبری و عدم اختیاری بودن مطرح می‌شود. بی‌شک اهتمام و جدی بودن بحث اختیاری و عدم اختیاری بودن ظهور بیشتر به خاطر ارتباط و تلاقی است که با یکی از شاخصه‌های مهم بشری به نام اختیار و آزادی انسان پیدا می‌کند که پیوسته مورد دغدغه و دل‌مشغولی بشر بوده و خواهد بود مثلاً؛ آیا جبری بودن ظهور، منجر به محدودیت در آزادی و اختیار انسان و به چالش کشیده شدن آن نیست؟ و آیا جبری بودن ظهور، با آزادی و صاحب اختیار بودن انسان در تعارض و تهاافت نمی‌باشد».

«به طور کلی تبیین این بحث یعنی بحث اختیاری و جبری بودن ظهور، متفرع بر بیان دو بحث است: ۱. جایگاه زمینه‌سازی و کارکرد آن؛ ۲. چیستی ظهور از نظر تغییرپذیر و تغییرناپذیر بودن زمان آن. آری اگر دیدگاه صاحب‌نظران بر این باشد که زمینه‌سازی ظهور از حیث جایگاه دارای کارکردی به نام تقدم بخشی و تأخر بخشی ظهور است یعنی ظهور در تحقق خودش متفرع بر تحقق زمینه‌سازی می‌باشد پس هرچه این زمینه‌سازی زودتر رخ داده و زودتر به حد کمال و نصاب برسد به طور طبیعی ظهور نیز زودتر به وقوع می‌پیوندد. و در مورد ثبات یا تغییرپذیر بودن زمان ظهور نیز اگر نظر بر این باشد که زمان ظهور ثابت و تغییرناپذیر نبوده بلکه دارای زمان نامشخص و متغیر می‌باشد یعنی خداوند حکیم برای رخداد ظهور زمان خاصی در نظر نگرفته است بلکه آن را در فضای شناور قرار داده تا انسان‌ها با انجام اعمال صالح و فراهم کردن زمینه‌ها به شایستگی و لیاقت لازم رسیده و موجبات تحقق رخداد ظهور را فراهم نمایند در این صورت می‌توان گفت که ظهور امری اختیاری بوده و با اراده جمعی بشر به وقوع می‌پیوندد. زیرا براساس این نظریه (اختیاری بودن ظهور)، اولاً؛ زمان ظهور قطعی و ثابت نیست، ثانیاً؛ زمان ظهور تعیین شده و مشخص نیست، ثالثاً؛ ظهور وابسته به تمهیدات است، رابعاً؛ تمهیدات ظهور با قدرت و اراده بشر شکل می‌گیرد». وقتی مقام معظم رهبری انتظار ظهور منجی را یک عمل، آماده‌سازی و تحرک و پویایی در همه‌ی زمینه‌ها (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹).^۱ و تحقق ظهور را مشروط به انتظار واقعی که در سایه عمل، تلاش، انگیزه و حرکت منتظران می‌داند (همان) پس در نتیجه می‌توان گفت: ظهور با اراده و اختیار بشر شکل گرفته و یک امر اختیاری تلقی می‌شود.

۱. ر.ک: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، -<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3308>.

اگر ظهور امری جبری و غیراختیاری تلقی شود لازمه این نگرش چند چیز است: ۱. ظهور زمان معینی دارد؛ ۲. ظهور زمان ثابتی دارد؛ ۳. زمینه‌سازی بشر در تقدم بخشی و تأخر بخشی ظهور هیچ تأثیری ندارد.

در این خصوص مقام معظم رهبری می‌گوید: ما می‌توانیم قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر^{علیه السلام} نزدیک کنیم. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۵) پس می‌شود زمینه‌ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه‌هایی إن شاء الله گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیة الله^{علیه السلام} نیز پدید می‌آید و مسئله مهدویت این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقق می‌یابد (همان). در بیانات مقام معظم رهبری از متن «ما می‌توانیم قدم به قدم جامعه خود ...» تحصیلی بودن ظهور و از متن «زمینه ظهور حضرت بقیة الله نیز پدید می‌آید ...»، اختیاری بودن ظهور برداشت می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیرامون زمینه‌سازی ظهور و سیره و عملکرد شهید سلیمانی به صورت جداگانه کتاب و مقالات فراوانی نگاشته شده است، شایان ذکر است با توجه به تتبعات فراگیر صورت گرفته می‌توان به این نتیجه رسید که غالب مکتوبات در این عرصه با نگرش خاص که مبانی و پیش فرض‌های امامین انقلاب را نسبت به سیره و عملکرد شهید سلیمانی مقایسه و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور را در دستور کار قرار داده باشد پیدا نشد.

مؤلفه‌های راهبردی زمینه‌ساز ظهور

براساس آنچه در مبانی نظری در ابتدای مقاله بحث شد باید گفت مؤلفه‌های راهبردی برای زمینه‌سازی ظهور ساحت‌های فراوانی از حیث فردی و اجتماعی خواهد داشت که راهبردهای فردی و شخصیتی در زمینه‌سازی ظهور در این جا پرداخته نمی‌شود و تنها برخی از مؤلفه‌های راهبردی با نگاه سیاسی و اجتماعی مطرح و بیان شده است.

۱. رشد انسانیت در مکتب مدیریت جهادی و دفاع مقدس

بشر همواره در سختی‌ها و گرفتاری‌ها آبدیده شده و رشد یافته است، یکی از عرصه‌های رشدیافتگی او را در میدان جنگ و جهاد می‌توان جستجو کرد، نبرد با دشمنان اگر با چاشنی دفاع از کیان اسلامی همراه باشد میزان رشدیافتگی آنان را به نحو بسیار قوی تقویت نموده و

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2865>.

علاوه بر مدافعین، بر جامعه نیز اثر می‌گذارد و آنان را برای رویارویی با استکبار همواره آماده می‌کند. اینگونه انسانها از نظر حد و مرز، در دو دسته قابل ارزیابی هستند. دسته اول، انسان‌هایی هستند که محدود به نیازهای شان هستند (انسان‌های نیازمند) و دسته دوم انسان‌هایی که فراتر از نیازها به رشد و تعالی و خودشکوفایی رسیده‌اند (انسان‌های بی‌نیاز). انسان‌های دسته اول، وقتی به یک حد مشخص از رشد می‌رسند، متوقف می‌شوند. ولی بعضی از انسان‌ها حد و مرزی برای رشد و شکوفایی استعدادهای خود ندارند و تا آخرین لحظه عمرشان در حال رشد و شکوفایی و ثمردهی هستند.

در مکتب مدیریتی انقلاب و دفاع مقدس، «یادگیری جمعی هوشمند» با عبور از یاددهی به یادگیری و عبور از آموزش انفرادی به آموزش جمعی، عبور از آموزش مقطعی به آموزش مستمر توأم با «آموزش دوجانبه یا آموزش متقابل» سبب می‌شود جبهه‌های دفاع مقدس به یک دانشگاه جامع تبدیل شود، این موهبت در سایه ولایت و برکت جهاد و شهادت در جبهه‌ها شکل گرفت که به تعبیر قرآن در سوره مبارکه عصر از آن به «تواصی» یاد شده و طیف وسیعی از انواع انگیزه‌های رقابتی را به تعاون و همکاری تبدیل نمود و آن را در مسیر رشد و بالندگی قرار داد. امامین انقلاب بارها این ویژگی تربیتی جبهه‌ها را مورد تأکید قرار داده‌اند، در دفاع مقدس بسیاری از فرماندهان، قبل از جنگ در هیچ دانشکده نظامی تحصیل نکرده و هیچ دوره فرماندهی نظامی را نگذرانند، مدیریت و فرماندهی را در جبهه‌های دفاع مقدس فراگرفته و به فرماندهان بزرگی تبدیل شدند که مجهزترین و پرهزینه‌ترین ارتش‌های استکباری اشغالگر جهان و پیچیده‌ترین سازمان‌های مخوف مهاجم را در غرب آسیا وادار به اظهار عجز کرد و این مسئله مرهون رهیافت مدیریت سرمایه‌انسانی در دفاع مقدس است که خود حاج قاسم بارها می‌گفت: «هرچه دارم از دوران دفاع مقدس است (کریمخانی، ۱۳۹۹: ۱۸) و نیک می‌دانیم که دفاع مقدس هم، هرچه دارد از قاسم سلیمانی‌ها است و رمز موفقیت، دقیقاً در همین ارتباط دو طرفه است، حاج قاسم سلیمانی است که بذر فطرت او در پرتو خورشید حیات بخش جهاد و ولایت رشد کرده و به بالندگی رسیده است. در حقیقت قاسم سلیمانی براساس آیه شریفه قرآن درباره شجره طیبه، که مصداق اعلاش را پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند یکی از مصادیق این آیه شریفه در عصر ما، حاج قاسم سلیمانی است که بذر فطرت او در پرتو خورشید حیات بخش جهاد و ولایت رشد کرده و به بالندگی رسیده است. در حقیقت قاسم سلیمانی مثل درختی است که روز به روز رشد و نمو داشت و شاخ و برگ‌هایش در آسمان‌ها گسترده می‌شد و شاخه‌ها و میوه‌هایش هم قطع شدنی نبود و در دسترس مردم ایران، عراق، سوریه، لبنان،

یمن، افغانستان و کل جهان اسلام بود. لذا قاسم سلیمانی را «فاتح آسمان‌ها» می‌دانم؛ آسمان مقاومت و آسمان قلوب ملت‌ها مخصوصاً قلوب ملت ایران. لذا با در نظر گرفتن «جهاد و نقش آن در مراحل رشد شخصیت حاج قاسم سلیمانی» باید گفت او مثل درختی است که روز به روز رشد و نمو داشت و شاخ و برگ‌هایش در آسمان‌ها گسترده می‌شود و شاخه‌ها و میوه‌هایش هم قطع شدنی نبوده و در دسترس مردم ایران، عراق، سوریه، لبنان، یمن، افغانستان و کل جهان اسلام است.

۲. تعلق اکثریت جمعیت منطقه غرب آسیا به اسلام

یکی از عناصر شکل دهنده نگرش مکتبی سپهبد سلیمانی، تعلق و وابستگی اکثریت جمعیت منطقه به اسلام است. گرچه غالب سران و دولت‌های منطقه وابسته به استکبار هستند، اما مردم به شدت به اسلام گرایش داشته و نیازمند رهبری و هدایت بودند که انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن این نقش را ایفا نمود. حفظ ماهیت اسلامی مردم در منطقه قفقاز و کشورهای مسلمان تحت سلطه شوروی سابق، به‌رغم فشارها، قتل‌عام‌ها و ایستادگی ملت مسلمان افغانستان در برابر ارتش سرخ شوروی و تداوم این گرایش در دوره‌های بعدی و گرایش مردم سوریه و عراق به اسلام نشان‌دهنده وفاداری مردم به اسلام می‌باشد، تکیه بر اسلام خواهی مردم منطقه از سوی امامین انقلاب به این گوهر ارزشمند، نقطه زیربنایی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است که این معنا به طور کامل توسط شهید سلیمانی درک و به عنوان دکترین ایشان عملیاتی شد.

۳. نظم نوین در منطقه غرب آسیا

نظم منطقه‌ای عبارت است از شیوه مدیریت روابط و مناسبات کشورها در سطح منطقه، بر این اساس، نظم امنیتی منطقه‌ای بر حسب الگوهای دوستی و دشمنی تعریف می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۳۶۲).

عناصر

نظم منطقه‌ای براساس عنصرهایی شکل می‌گیرد: واحدها، ساختار، فرایند و قواعد، هر نظم منطقه‌ای بر پایه وجود یک دسته از واحدهای سیاسی و بازیگران منطقه‌ای شکل می‌گیرد که تصور یک نظم منطقه‌ای بدون واحدها و بازیگران ناممکن است.

عنصر دیگر نظم منطقه‌ای، ساختار آن است، ساختار عبارت است از چگونگی منظم و مرتب شدن یا آرایش و چینش‌های واحدهای شکل‌دهنده به نظم منطقه‌ای. هریک از واحدها با

توجه به میزان توانایی‌هایی که دارد جایگاهی را در نظام منطقه‌ای به خود اختصاص می‌دهد و ساختار آنها براساس چگونگی توزیع قدرت یا توانایی مادی (اقتصادی و نظامی) بین واحدها شکل می‌گیرد که بر حسب قطبیت منطقه‌ای تعریف می‌شود به تک قطبی، دو قطبی یا چند قطبی.

سومین عنصر نظم منطقه‌ای، فرایند است. الگوهای تعامل بین واحدها را اصطلاحاً فرایند می‌گویند، یعنی راه و روش‌هایی که واحدها و بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر مرتبط شده و ارتباط برقرار می‌کنند، تعامل بین واحدها ممکن است به صورت مستقیم و حکومتی، مانند مبادلات اقتصادی و دیپلماتیک، یا مستقیم غیرحکومتی، مانند توریسم.

عنصر و مؤلفه دیگر نظم منطقه‌ای، قواعد است، واحدهای شکل‌دهنده به نظم منطقه‌ای، برپایه یک شیوه و اسلوب خاصی با هم در ارتباطند. این الگوی تعامل و رفتاری در سطح نظام منطقه‌ای براین واقعیت دلالت دارد که واحدها و بازیگران منطقه‌ای بر مبنای در چهارچوب قواعد و ضوابط مشخص و معینی در کنش متقابل هستند و رفتار می‌کنند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۴۰-۱۴۳).

الگوهای نظم منطقه‌ای

هژمونی: نظم هژمونیک، نظم است که یک کشور یا قدرت مسلط به تنهایی در آن نقش اصلی را ایفا کرده و روابط و مناسبات کشورها را در سطح منطقه رهبری و مدیریت کند. موازنه قدرت: تلاش و اقدام آگاهانه و ارادی کشورها برای جلوگیری از تفوق و برتری یک کشور قدرتمند یا مجموعه‌ای از کشورها در یک منطقه است.

بازدارندگی: این الگو بر پایه موازنه وحشت تحقق می‌یابد. مجاب کردن دشمن به خویشتن‌داری و عدم استفاده از نیروی نظامی و توسل به جنگ از طریق افزایش هزینه‌های تأثیرگذاری بر محاسبات راهبردی او در کانون بازدارندگی قرار دارد (ر.ک: سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۷۸-۱۸۴).

همگرایی: فرآیندی است که دو یا چند ملت، دولت مستقل و دارای حاکمیت در یک منطقه جغرافیایی توافق می‌کنند برای دستیابی به منافع مشترک در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی به همکاری و تصمیم مشترک بپردازند.

نظم نوین منطقه‌ای در غرب آسیا

نظم نوین منطقه‌ای مستقر در منطقه غرب آسیا، برپایه قدرت منطقه‌ای و توان بازدارندگی

جمهوری اسلامی تکوین یافته است که سردار سلیمانی نقش تعیین کننده‌ای در پایه‌ریزی آن داشته است.

مؤلفه‌های نظم نوین منطقه‌ای

مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر نظم نوین منطقه‌ای عبارتند از: قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران که سردار سلیمانی در ایجاد و امکان اعمال آن نقش مؤسس را داشته است، بازدارندگی در قالب راهبرد «دفاع فعال» که در آن تهاجم و تجاوز بالقوه دشمن دفع می‌گردد اعمال می‌شود، مانند سلاح هسته‌ای که جزء دکترین امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه از ابزار و تسلیحات متعارف و توانمندی‌های غیر نظامی برای بازداشتن تهاجم نظامی و جنگ علیه خود استفاده می‌کند، توانمندی موشکی، قدرت بازدارندگی بی‌واسطه و با واسطه را به ایران داده است که می‌تواند به هرگونه تهاجم نظامی پاسخ دهد مانند حمله موشکی به پایگاه آمریکایی عین‌الأسد در عراق به تلافی شهادت سردار سلیمانی، و همچنین ترس رژیم صهیونیستی از پاسخ کوبنده و مجازات شدید توسط ایران مهم‌ترین عاملی است که این رژیم را از اقدام نظامی علیه کشور باز داشته است، علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران از قدرت بازدارندگی منطقه‌ای نیابتی نیز برخوردار است که این قدرت ناشی از قدرت تلافی جویانه گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه است که این نوع بازدارندگی به ویژه در مورد اسرائیل صادق است به گونه‌ای که به صورت دائمی در ترس و وحشت قرار دارد که در صورت اقدام نظامی بر ضد جمهوری اسلامی با پاسخ کوبنده حزب الله، جهاد اسلامی و حماس مواجه و مجازات خواهد شد. شهید سلیمانی به رغم محاصره نوار غزه، مبارزان فلسطینی را به سلاح‌های مختلف تجهیز و تسلیح کرد و به ویژه او را بنیانگذار توان موشکی مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین است. نقش سپاه قدس، به فرماندهی سردار سلیمانی، در ایجاد و امکان بازدارندگی نیابتی ایران در یمن از طریق انصارالله در مقابل عربستان نیز انکارناپذیر است. از این رو، بی‌تردید سردار سلیمانی را باید پدر بازدارندگی نیابتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا دانست.

۴. توسعه و تقویت جبهه مقاومت در غرب آسیا

یکی از مؤلفه‌ها و عناصر نظم نوین منطقه‌ای، تثبیت و تقویت و تعمیق محور مقاومت است. محور مقاومت در غرب آسیا، تجلی عینی توسعه و تعمیق گفتمان مقاومت در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. به گونه‌ای که گفتمان مقاومت که در ابتدا در قالب

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظام سیاسی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی، تعیین و تحقق یافت، به تدریج در سایر جوامع منطقه بازتولید و تکثیر شد (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۷۲)، توسعه گفتمان مقاومت، نخست در لبنان و سپس در فلسطین به شکل‌گیری نیروهای مقاومت اسلامی انجامید که به نوبه خود آن را بازتولید کردند، با افول هژمونی آمریکا و تضعیف قدرت و نقش متحدین منطقه‌ای آن، محور مقاومت نیز توسعه و تعمیق یافت که به استقرار نظم نوین منطقه‌ای در غرب آسیا انجامید به طوری که، از یک سو، با گسترش حوزه جغرافیایی مقاومت به عراق، سوریه و یمن، و با تقویت قدرت و تعمیق نهادی و ساختاری نیروهای مقاومت، محور مقاومت توسعه کمی و کیفی یافته است؛ یکی از شاخصه‌ها و عناصر آن توسعه، تشکیل ارتش چند ملیتی متشکل از نیروهای مقاومت از ملت‌های مختلف است، این ارتش فراملی، یک نیروی آزادی‌بخش است که به مقابله با قدرت‌های اشغالگر منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و نیروهای تروریست تحت امر آنها می‌پردازد، نمونه کارآمدی این نیروها در نبرد با تروریست‌های چند ملیتی در سوریه و عراق آشکار گردید.

براین اساس، اکنون، محور مقاومت به مرکزیت ایران یکی از قطب‌های قدرت در غرب آسیا و یکی از ارکان و اضلاع نظم نوین منطقه‌ای است. به گونه‌ای که یک نظام دو قطبی برپایه دو قطب محور مقاومت و قطب ضد مقاومت در منطقه شکل گرفته است. عوامل و کارگزاران متعددی در شکل‌گیری محور مقاومت نقش داشته‌اند، ولی سردار سلیمانی نقش اساسی در تأسیس، تقویت و توسعه کمی و کیفی محور مقاومت ایفا کرده است از این رو، در سطح منطقه - ای و بین‌المللی، محور مقاومت بیشتر با نام مقتدر آن «ژنرال قاسم سلیمانی» شناخته می‌شود. شهید سلیمانی و محور مقاومت هر دو محصول گفتمان مقاومت ناشی از مکتب امامین انقلاب هستند، گفتمانی که با حیات و فعالیت محور مقاومت بازتولید می‌شود و کارگزاران و مجاهدان مقاومتی چون شهید سلیمانی را بازتولید می‌کند.

از طرفی دیگر سرزمین‌های اسلامی به ویژه غرب آسیا که براساس روایات، کانون ظهور و زمینه‌سازان ظهور معرفی شده^۱ براساس مستندات تاریخی همواره خصوصاً در چند دهه

۱. روایت‌هایی چون حدیث نقل شده از فریقین از پیامبر اکرم ﷺ است که می‌فرماید: «يَخْرُجُ نَاشٍ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَظِّئُونَ لِلْمَهْدِيِّ بَعْنَى سُلْطَانَهُ»، (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۷)؛ در آینده عده‌ای از مردم مشرق زمین به پا خواهند خواست و زمینه را برای استقرار حکومت مهدی ﷺ فراهم خواهند ساخت. این حدیث به صراحت بر ضرورت زمینه‌سازی و آمادگی مردم برای ظهور حضرت حجت ﷺ دلالت دارد. در حدیث دیگری پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: گروهی از ناحیه مشرق، قد برمی‌افرازند و زمینه حکومت مهدی ﷺ را فراهم می‌سازند (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ۲۶۳؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۱، ۹۴؛ ر.ک: سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۸).

گذشته، حوادث مهمی در آن رخ داده است. با توجه به اهمیت و پیشینه تاریخی و ادیانی این منطقه و وجود منابع و ذخایر فراوان در آن، موجب دخالت حداکثری غربی‌ها به منظور کسب منافع بیشتر با ایجاد تفرقه بین ملت‌ها و راه‌اندازی نزاع و جنگ شده است.

وجود این شرایط، ضرورت ایستادگی و مقاومت جبهه اسلام اصیل را در مقابل دشمنان دو چندان می‌کند، شهید سلیمانی با توجه به ویژگی‌های خود توانسته بود جوانان منطقه را علیه اهداف و عوامل دشمنان مانند صهیونیست تکفیری بسیج و آنان را ناکام بگذارد.

جامعه اسلامی برای پیشبرد و تحقق تمدن نوین اسلامی برای نزدیک شدن به ظهور و زمینه‌سازی برای آن، علاوه بر اتحاد دنیای اسلام به نحوی که دولت‌های اسلامی با هم معارضه نکنند و به همدیگر ضربه نزنند بلکه در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست همدیگر داده و از یکدیگر در مقابل دشمن مشترک مقاومت و دفاع نمایند، نیاز به الگو و سرمشق جهادی دارد، مکتب تربیتی امامین انقلاب و شهید سلیمانی و امثال آن می‌تواند ابزارهای تمدن‌ساز را فراهم و تربیت نماید، تربیت نسلی شجاع، با سواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸)^۱ به نحوی که به صورت خودکار و خودجوش به سمت تحقق آن حرکت نماید. و هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جُمُجْمَتَكَ»؛ (نهج البلاغه، کلام ۱۱) زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدّیت حرکت کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸)^۲.

نتیجه‌گیری

در بحث زمینه‌سازی ظهور، دو رویکرد ثبوتی و اثباتی مطرح است، در رویکرد دوم به تمهیدات و گستره و کیفیت این مسئله و این‌که آیا ظهور امری اختیاری و تحصیلی است یا اجباری و حصولی است، در نظریه اختیاری بودن ظهور و زمینه‌سازی برای آن، اگر انسان به وظایف خود به نحو کامل عمل کند حتماً لطف خداوند شامل حال او شده و زمان ظهور را جلو می‌اندازد، این نگرش پایه و اساس نظریه مختار براساس اندیشه امامین انقلاب و شهید سلیمانی را تشکیل می‌دهد و دلایل و براهین ارائه شده در راستای توجیه این نظریه تنظیم و تبیین شده است.

با توجه با این‌که زمینه‌سازی ظهور مقوله‌ای بسیط نیست و در ساحت‌های مختلفی قابل

۱. بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>.

۲. بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>.

بررسی است و این پژوهش ظرفیت پرداختن به همه ابعاد آن را ندارد نویسنده تنها به نقش شهید سلیمانی و راهبرد مکتب امامین انقلاب در زمینه‌سازی ظهور در ساحت رشد انسانیت در مکتب مدیریت جهادی و دفاع مقدس و تشکیل و تقویت جبهه مقاومت و برهم زدن نظم نوین جهانی و ایجاد نظم جدیدی در راستای زمینه‌سازی ظهور پرداخته است، مهم‌ترین دغدغه فراروی این تحقیق، تبیین راهبردهای امامین انقلاب و شهید سلیمانی در ساحت کلام سیاسی و عملکرد ایشان است، نظریه مختار که همان نظریه «وظیفه‌گرائی معطوف به ظهور» است دارای استواری و قوت مناسبی است. شهید سلیمانی در این خصوص تلاش بسیاری نمود و با تقویت جبهه مقاومت و سازماندهی آن توانست نیروهایی توانمند و آماده به کار را برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی که زمینه‌ساز ظهور است را تربیت نماید.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، دارالکتب الإسلامية، دوم.
۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق)، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی، اول.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
۴. پورسیدآقایی، سیدمسعود (۱۳۸۸ ش)، «زمینه‌سازی ظهور»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال سوم، ش ۱۰.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰ ش)، *مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی (عج)*، دبیرخانه اجلاس دوسالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج)، سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ فرازی، مهدی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۹، شماره ۲۸.
۷. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۶)، *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری*، تهران، انتشارات سمت.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۶)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم و رسائل توحیدی*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۹. عمید، حسن، (۱۳۷۷)، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
۱۰. کریمخانی، احمد (۱۳۹۹)، *اسرار سلیمانی / مقالات جمعی از صاحب‌نظران درباره شخصیت سردار*

- شهید حاج قاسم سلیمانی، قم، نشر خط مقدم.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
۱۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. نجاران طوسی، حامد (۱۳۹۹)، مفهوم «مکتب» در منظومه فکری امام خامنه‌ای (دام‌ظله)، دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی.
۱۴. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۵. هالستی، کی. جی (۱۳۷۳)، میانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه: بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.